



فصلنامه علمی پژوهشی  
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت  
سال چهارم / شماره ۱۴ / تابستان ۱۳۹۴

## تورش‌های رفتاری و انگیزه‌های مدیریت سود

**کیانا کریمی**

دانشجوی دکترای مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)  
kkiana\_karimi@yahoo.com

**فریدون رهنمای رودپشتی**

استاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه مالی و حسابداری.  
rahnama.roodposhti@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۱۹

### چکیده

این پژوهش ارتباط بین تورش‌های رفتاری و انگیزه‌های مدیریت سود بین تحلیلگران مالی، حسابداران و حسابرسان را مورد ارزیابی قرار داده است. مطالعه حاضر تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی بوده و داده‌ها با ابزار پرسشنامه از نمونه ۳۰۳ نفری جمع‌آوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین ماکیاولیسم (فرصت‌طلبی) و مدیریت سود کارا و فرصت‌طلبانه رابطه مستقیم معنی‌دار وجود داشته و هرچه فرد فرصت‌طلب‌تر باشد بیشتر اقدام به مدیریت سود کارا و فرصت‌طلبانه می‌کند؛ حسابرسان زیان‌گریزتر از تحلیلگران مالی و تحلیلگران مالی خوش‌بین‌تر از حسابرسان می‌باشند. حسابرسان نسبت به سایر مشاغل مورد بررسی به ندرت تمایل به مدیریت سود دارند.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت سود، تورش‌های رفتاری، ماکیاولیسم.

## ۱- مقدمه

روانشناسی و امور مالییه دو حوزه علمی است که در چند دهه اخیر مرزهای همدیگر را شکسته و در زمینه‌های متعددی با هم همپوشانی پیدا کرده‌اند. یکی از این موارد در هنگام تصمیم‌گیری مدیریت سود رخ می‌دهد که قضاوت‌های شخصی و احساسات حسابداران و مدیران، بر نتایج تصمیماتشان اثر گذاشته و به نوعی آنچه در ادبیات مالی رفتاری خرد رخ می‌دهد در اینجا نیز پدیده‌ای مشابه آن را می‌بینیم. درحقیقت حالات روحی و ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای افراد بر نوع تصمیم و نتایج آن اثر ویژه‌ای خواهند داشت که احتمالاً با نتیجه تصمیم عقلایی متفاوت است. مدیریت سود، مداخله هدفمند در فرایند گزارشگری مالی برون سازمانی شرکت به منظور کسب منافع شخصی مدیر تعریف می‌شود (انجی، ۲۰۰۹). مدیر ممکن است از دستکاری و مدیریت سود در پی کسب منافع شخصی از ذینفعان خارج سازمانی از قبیل پاداش یا منافع مالیاتی باشد (اعتمادی، ۱۳۸۸). مدیریت سود یکی از بزرگترین دغدغه‌های حرفه حسابداری است زیرا می‌تواند روی هزینه سرمایه و کارایی تخصیص منابع اثر گذارد (دایاناندان و همکاران، ۲۰۱۲). تحقیقات گذشته در مورد مدیریت سود نشان می‌دهد که مدیران به انگیزه‌های مختلف از جمله دریافت پاداش، کاهش نسبت بدهی، کاهش هزینه‌های سیاسی، کاهش مالیات، تغییر مدیریت، عرضه عمومی سهام برای اولین بار و ... سود را دستکاری نموده و آن را مدیریت می‌کنند. در حقیقت در تحقیقات پیشین مدیریت سود، صرفاً موضوع انگیزه‌های مدیریت سود، مورد بررسی قرار گرفته است و موضوع از آن فراتر نرفته است.

تحقیقات گذشته در مورد تورش‌های رفتاری نیز صرفاً به خطاهای رفتاری و عواطف و احساسات اثرگذار سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیمات سرمایه‌گذاری پرداخته است و نکته مهم این است که آیا احساسات و تصورات حسابداران، حسابرسان و افراد فعال در امور مالی و تحلیلگری نیز در تصمیماتشان در زمینه مالی و حسابداری اثرگذار است؟ آیا آنها نیز هنگام تصمیم‌گیری دچار تورش رفتاری و خطاهای قضاوتی و ذهنی هستند؟ بعنوان مثال آیا احساسات و قضاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی افراد در هنگام تصمیم برای مدیریت سود بر روی رفتار و تصمیم آنها اثرگذار است؟ آیا تورش‌های رفتاری- شخصیتی آنها و انگیزه‌هایشان برای مدیریت سود با هم در تعامل است؟ که این مطالعه برای پاسخ به این شکافهای تحقیقاتی طراحی شده است. نکته مهم آن است که اکثر نظریه‌های اقتصادی و مالی براساس این فرض قرار دارند که افراد به صورت کاملاً عقلایی عمل می‌کنند و تمامی اطلاعات

موجود را در زمان تصمیم‌گیری اقتصادی<sup>۱</sup> ارزیابی می‌کنند. با این حال هنوز یک اتفاق آرای عمومی میان فعالان محیط علمی و عملی مالی نسبت به اینکه هیجانات انسانی و خطاهای شناختی در تصمیمات مالی<sup>۲</sup> تا چه اندازه موثرند حاصل نشده است؛ اما در سال‌های اخیر مطالعات بی‌شماری، با مستندسازی مثال‌های فراوانی از رفتارهای غیرعقلایی<sup>۳</sup> و خطاهای تکرار شونده در قضاوت، اساسی‌ترین فرض نظریه اقتصادی، یعنی انسان اقتصادی عقلایی یا بشر اقتصادی را مورد سوال قرار داده‌اند. طرفداران مالی رفتاری به نقش روانشناسی در علم مالی هم در سطح اثر بر نوسانات بازار اوراق بهادار و هم در سطح نیرویی که بر تصمیمات مالی افراد می‌گذارد، باور دارند و معتقدند که آگاهی از تورش‌های روانشناختی به منظور کسب موفقیت در قلمرو تصمیمات مالی بسیار مهم می‌باشد. بنابراین در دهه گذشته مطالعات بسیاری اثر عوامل رفتاری و احساسات و هیجانات انسانی را بر تصمیمات مالی در سطح سرمایه‌گذاران مورد بررسی قرار داده‌اند اما جای مالی رفتاری همچنان در تحقیقات مربوط به حاکمیت شرکتی، حسابداران، حسابرسان و فعالان در حوزه مالی شرکتی خالی است و تاکنون به بررسی اثر هیجانات، احساسات و ویژگی‌های شخصیتی آنان در تصمیم‌گیری در مورد موضوعات مالی شرکتی پرداخته نشده است (جفائی و کاردان، ۱۳۸۷). وضعیت کلی شرکت نتیجه مستقیم تصمیمات مدیران و حسابداران شرکتها است و باتوجه به اینکه این افراد نیز عوامل انسانی هستند در تصمیمات خود دچار قضاوت‌ها، احساسات و خطاهایی هستند که نتایج اقدامات آنها و در نتیجه وضعیت کل شرکت را تحت تاثیر قرار خواهد داد؛ بدیهی است مطالعه و بررسی انگیزه‌های مدیریت سود بین حسابداران، حسابرسان و افراد فعال در نهادها و موسسات مالی و ویژگی‌های شخصیتی که منجر به تصمیم به مدیریت سود می‌شود می‌تواند در ایجاد زمینه‌های نظارت بیشتر برای رعایت اصول اخلاقی در میان ایشان اثرگذار باشد (حاجی وند، ۱۳۸۹). بنابر ضرورت و اهمیت موضوع، در این پژوهش به بررسی تعامل تورش‌های رفتاری-شخصیتی حسابداران، حسابرسان و افراد فعال در امور مالی و تحلیلگری و انگیزه‌های مدیریت سود می‌پردازیم. هدف از انجام این پژوهش شناخت تورش‌های رفتاری حسابداران، حسابرسان و تحلیلگران مالی است. هدف بعدی نیز بسط و گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته است.

## ۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

منظور از تورش، انحراف از تصمیم‌گیری‌های درست و بهینه است. سوگیری‌های رفتاری به عنوان اشتباهات

اسکات: "مدیریت سود عبارت است از انتخاب خط مشی های حسابداری توسط مدیریت، تا به واسطه این انتخابها به اهداف خود دست یابند."

جکسون و پیتمن: "مدیریت سود عبارت است از انتخاب روش خاصی از گزارشگری بمنظور اثرگذاری بر نتیجه." (آلجیفری، ۲۰۰۷، ص ۷۵).

مدیریت سود دستکاری عمدانه سود برای دستیابی به یک هدف از پیش تعیین شده است (دیویدسون و همکاران، ۲۰۰۴؛ انجی و همکاران، ۲۰۰۹).

مدیران ممکن است با اهداف متفاوتی از قبیل رقابت، افزایش سرمایه، دستیابی به پاداش، حفظ شغل، کاهش انحرافات سود و ... اقدام به مدیریت سود کنند (گرینفیلد، ۲۰۰۵).

مدیران معمولاً از انعطاف پذیری اصول حسابداری استفاده کرده و با قضاوت و تفاسیر شخصی سودها را دستکاری می کنند (پاتاک، ۲۰۱۴).

#### انگیزه های مدیریت سود

**مدیریت سود کارا:** در دیدگاه کارایی مدیریت سود، مدیریت سود موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود محتوای اطلاعاتی سود می شود. در این دیدگاه، مدیریت سود پدیده ای سودمند برای استفاده کنندگان خارجی اطلاعات حسابداری محسوب می شود. در مدیریت سود از نوع کارا، هدف افزایش مطلوبیت سهامداران و استفاده کنندگان صورت های مالی است (جیراپورن و همکاران، ۲۰۰۸؛ سیرگار و همکاران، ۲۰۰۸).

**مدیریت سود فرصت طلبانه:** به معنای این است که مدیریت به منظور حداکثر کردن مطلوبیت خویش، سود را به گونه ای فرصت طلبانه گزارش می کند. بالسام و همکاران (۲۰۰۲)، شواهدی مبنی بر فرصت طلبانه بودن مدیریت سود ارائه می کنند. برگستالر (۲۰۰۷)، نشان داد که مدیران به منظور جلوگیری از گزارش زیان یا کاهش سود اقدام به مدیریت سود می کنند تا پاداش بیشتری دریافت کنند.

#### پیشینه پژوهش

دمرجیان (۲۰۱۴)، دریافت که مدیران با توانایی بیشتر، کمتر اقدام به مدیریت سود کرده و کمتر سودها را برای دستیابی به منافع شخصی دستکاری می کنند. وروفن (۲۰۱۴) بیان می دارد که دردناکی ضرر و زیان، دو برابر لذت بدست آوردن سود است.

سیستماتیک در قضاوت تعریف شده است. مطالعه های مختلفی در زمینه انواع خطاهای ادراکی و چگونگی تاثیر این خطاها بر تصمیم گیری مالی انجام شده و به این نتیجه دست یافتند که تصمیمات مالی تحت تاثیر چندین خطا قرار می گیرد. محققین فهرستی از انواع سوگیری های رفتاری را شناسایی و ارائه نموده اند. مطالعات اخیر بیش از پنجاه نوع سوگیری رفتاری شناخته شده در مورد سرمایه گذاران را معرفی کرده و این درحالی است که بسیاری از تمایلات رفتاری هنوز به روشنی مورد شناسایی قرار نگرفته است اما یافته ها حاکی از آن است که تورش های رفتاری باعث می شوند که پیش بینی تصمیمات مالی با چالش و خطا مواجه شوند (ریتر، ۲۰۰۳). در ادامه انواع تورش های رفتاری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند، تعریف می شوند.

**تورش فرا اعتمادی:** فرااعتمادی یا اعتماد بیش از حد به خود<sup>۴</sup> در بیان کلی می تواند به عنوان یک اعتقاد بی اساس در مورد توانایی های شناختی، قضاوت ها و استدلال شهودی فرد خلاصه شود. افراد هم در مورد توانایی های خود در پیش بینی و هم در مورد دقت اطلاعاتی که در اختیار آنان قرار می گیرد، برآوردی بیش از اندازه دارند (برابازون، ۲۰۱۲).

**تورش توهم کنترل:** سوگیری توهم کنترل، گرایشی را در انسان توصیف می کند که موجب می شود افراد تصور کنند که می توانند پیامدها را کنترل کرده یا حداقل بر آنها تاثیر بگذارند، درحالیکه واقعاً اینگونه نیست (لانگر، ۱۹۷۵).

**تورش خوش بینی:** بسیاری از سرمایه گذاران بیش از حد خوش بین هستند و معتقدند که سرمایه گذاری های نامطلوب برای آنها اتفاق نخواهد افتاد (لووالو و کانمن، ۲۰۰۳).

**تورش زیان گریزی:** سوگیری زیان گریزی<sup>۵</sup> به عنوان بخشی از تئوری چشم انداز توسط کانمن و تورسکی در سال ۱۹۷۹ و در پاسخ به یافته های تئوری مزبور مبنی بر اینکه تمایل افراد به پرهیز از زیان، بیشتر از کشش آنها به سمت کسب سود است، توسعه یافت. در حقیقت، زیان گریزی یعنی اینکه فرد بیش از اندازه از زیان بالقوه و یا بالفعل ناراحت شود (سورش، ۲۰۱۳).

تعاریف متعدد و متنوعی از مدیریت سود وجود دارد، در اینجا به مرور برخی از این تعاریف می پردازیم:

متعدد از مدیریت سود، دریافت که شرکت هایی که توسط تحلیلگران مورد پیگیری قرار می گیرند، سودهای خود را کمتر مدیریت می کنند. و همچنین باتوجه به تعدادی از گزارش های تحلیلگران به این نتیجه رسید که تحلیلگران کارگزار و تحلیلگران باتجربه دارای اثر قویتری در برابر مدیریت سود هستند.

بن، دیوید و همکاران (۲۰۰۷) متوجه شدند که شرکت هایی که مدیران ارشد مالی بیش اعتماد دارند، نرخ های تنزیل کمتری را برای ارزش جریان نقدی بکار می برند، بیش تر از بدهی استفاده می کنند و کمتر احتمال می رود که سود تقسیم کنند.

هرگیس (۲۰۰۶) ادعا می کند که افرادی که درجه ماکیاولیسم آنها بالاتر است در مقایسه با افرادی که درجه ماکیاولیسم آنها کمتر است، بیشتر تمایل به دروغ گفتن، بازیچه قرار دادن افراد و پرداخت رشوه دارند.

مالمندیر و تیت (۲۰۰۴) متوجه شدند که شرکتهایی که مدیران اجرایی بیش اعتماد دارند تمایل دارند دست به ادغامهایی بزنند که ارزش را از بین می برد.

استولوی و برتون (۲۰۰۴) باتوجه به تحقیقات صورت گرفته در ادبیات حسابداری، در یک طبقه بندی از مدیریت سود آنرا به سه طبقه مدیریت سود، هموارسازی سود و گزارش انباشت اقلام منفی به ترتیب با اهداف تاثیر بر سود هر سهم، کاهش پراکندگی سود هر سهم، کاهش سود هر سهم جاری بمنظور افزایش سود هر سهم آتی که در سطوح پایینتر با یکدیگر همپوشانی دارند، تقسیم نمودند.

تحقیقات متعدد (داروق و دیگران، ۱۹۹۸؛ دجو و اسکینز، ۲۰۰۰؛ اسپیر، ۱۹۸۹؛ فیلدز و دیگران، ۲۰۰۱؛ نلسون و دیگران، ۲۰۰۲) نشان داده است که دریافت پاداش، قراردادهای وام، بازار سرمایه، هموارسازی سود و پارامترهای سیاسی از مهمترین انگیزه های مدیریت سود هستند.

طبق تحقیقات دیجورج و دیگران (۱۹۹۹) سرمایه گذاران و مدیران شرکتهای به دقت به گزارشگری سود شرکت توجه می کنند. مدیریت از اهمیت سود برای ذینفعان شرکت آگاهی دارد و پاداش خود را پیامد طبیعی سود حسابداری می داند.

از نظر هیلی و وال (۱۹۹۹) مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که مدیران از قضاوت های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری نمایند. این عمل، یا به قصد گمراه کردن برخی از سهامداران و سرمایه گذاران درخصوص عملکرد اقتصادی شرکت است یا با هدف تاثیر بر نتایج قراردادهایی می باشد که انعقاد آنها منوط به دستیابی به سود مشخصی است.

هانگ و کیسگن (۲۰۱۳) ارتباط بین جنسیت و تصمیمات مالی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که مردان بیش اعتمادتر از زنان هستند.

دایاناندان و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که ماکیاولیسم رابطه مثبت معنی دار با انواع رفتارهای غیراخلاقی دارد.

اسکرند و زکمن (۲۰۱۲) بیان داشته اند که مدیران بیش اعتماد بیشتر در معرض تورش خوش بینی بوده و بنابراین بیشتر احتمال دارد تصمیمات نادرست اتخاذ کنند. از سوی دیگر آنها متوجه شدند که مدیران بیش اعتماد احتمال دارد که درآمدهایشان را بیشتر بیان کنند (دستکاری سود)؛ که باعث می شود آنها در مسیر اظهارات نادرست عمدی و یا فریبکاری قرار بگیرند.

شیفر و وانگ (۲۰۱۱) در چین رابطه میان رفتار ماکیاولیسمی حسابرسان در برخورد با مدیریت سود را بررسی نمودند. آن ها دریافتند که افرادی که درجه ماکیاولیسم آنها بالاتر است، مدیریت سود را غیراخلاقی نمی دانند.

برونل و همکاران (۲۰۱۱) اعتقاد دارند که ماکیاولیسم می تواند منجر به رفتارهای غیراخلاقی برای دستیابی به منافع بیشتر شود.

چترجی و همبریک (۲۰۱۱) رابطه بین ماکیاولیسم، فرااعتمادی و دستکاری سود را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که هرچه درجه ماکیاولیسم و فرااعتمادی مدیر مالی شرکت بالاتر باشد، بیشتر تمایل به دستکاری سود برای مطلوب نشان دادن عملکرد مالی شرکت داشته و در قبال عملکرد ضعیف مالی، کمتر به ذینفعان پاسخگو هستند.

باربر و اودن در سال (۲۰۰۹) نشان دادند مردان نسبت به زنان بیشتر در معرض تورش فرااعتمادی قرار دارند.

ویکفیلد (۲۰۰۸) در بررسی ماکیاولیسم در حرفه حسابداری آمریکا دریافت که میزان ماکیاولیسم در حسابداران رسمی آمریکا کمتر از سایر حرفه ها است. او نشان داد که افراد جوان تر نسبت به افراد مسن تر از سطح ماکیاولیسم بیشتری برخوردار هستند و افرادی که درجه ماکیاولیسم آنها بالاتر است، بیشتر بر نتایج نهایی تمرکز کرده و می خواهند مطمئن شوند که نتیجه کار به نفع آنها خواهد بود.

باروس و سیلویرا (۲۰۰۸) مشاهده نمودند که شرکت هایی که از طریق افراد خوش بین اداره می شوند متمایلند به اینکه ساختارهای مالی اهرمی تری را انتخاب نمایند.

فانگ یو (۲۰۰۸) نقش تحلیلگران به عنوان واسطه های اطلاعاتی، در اداره امور شرکت ها را مورد بررسی قرار داد، او در مقاله اش تاثیر تحلیلگران سهام بر تصمیمات مدیران در مدیریت سود را بررسی نمود و با استفاده از اندازه گیری های

"صدقی خوراسگانی" (۱۳۸۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "شناسایی، بررسی و توصیف سبک‌های غالب رفتاری سرمایه‌گذاران در بازار سهام تهران" نتیجه گرفت که سبک غالب رفتاری سرمایه‌گذاران در بازار سهام تهران یک سبک محافظه‌کارانه است و تفاوت معناداری بین سبک‌های رفتاری سرمایه‌گذاران زن و مرد و همچنین بین گروه‌های سنی مختلف وجود ندارد.

### ۳- روش‌شناسی پژوهش

از جنبه هدف تحقیق این مطالعه هم تحقیق بنیادی و هم تحقیق کاربردی می‌باشد. هدف تحقیق بنیادی این تحقیق عبارت است از: تبیین رابطه میان تورش‌های رفتاری-شخصیتی و انگیزه‌های مدیریت سود؛ از سوی دیگر، مطالعه به سبب شناخت بهتر ویژگی‌های شخصیتی حسابداران، حسابرسان و افراد فعال در امور مالی و عوامل رفتاری و شناختی موثر بر تصمیم‌گیری آنها در رابطه با سود و مدیریت آن می‌تواند مبنایی برای سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خاص و بمنظور هدایت و مشورت دادن به افراد در راستای تصمیم‌گیری بهینه یاری رساند. از این جنبه مطالعه حاضر تحقیقی کاربردی محسوب می‌گردد که به قصد توسعه دانش کاربردی در زمینه مالی رفتاری و تئوری اثباتی حسابداری انجام می‌گیرد. از منظر جمع‌آوری داده‌ها این پژوهش تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش، حسابداران و حسابرسان حرفه‌ای شاغل در موسسات و شرکت‌ها و افراد فعال در نهادها و موسسات مالی و تحلیلی می‌باشند؛ با این وصف، جامعه آماری نامحدود است. در این پژوهش از روش سرشماری استفاده می‌شود، و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری احتمالی نامحدود استفاده شده است. در این روش اعضای جامعه آماری یک شانس معین و برابر برای انتخاب شدن به عنوان آزمودنی دارند؛ از جامعه آماری مورد بررسی، افرادی که اطلاعات مربوط به آنها در دسترس باشد به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند. در نهایت تعداد ۴۵۰ پرسشنامه میان معامله‌گران و تحلیلگران مالی، حسابداران و حسابرسان توزیع گردیده و ۳۰۳ پرسشنامه بطور کامل جمع‌آوری شد.

در این تحقیق ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای (از قبیل جنسیت، سن، وضعیت تاهل، وضعیت حرفه‌ای) و تورش‌های رفتاری - شخصیتی (فرا اعتمادی، زبان‌گریزی، توهم کنترل، خوش بینی) براساس پرسشنامه‌های تشخیصی تورش‌های رفتاری برگرفته از پرسشنامه‌های استفاده شده توسط مونتیر و پیشنهاد شده توسط پومپیان (۲۰۰۹)، با متناسب سازی برای

مک دونالد (۱۹۹۷) در تحقیق خود دریافت که زنان در مقایسه با مردان کمتر احتمال دارد که در دارایی‌هایی با ریسک بالاتر سرمایه‌گذاری کنند.

گروستر و همکاران در سال (۱۹۹۱) در نتیجه مطالعات روان‌شناختی خود، بین تجربه (سن) و فراعتمادی و توهم کنترل رابطه مستقیمی را یافتند.

"سرلک" (۱۳۸۷) آیین رفتار حرفه‌ای حسابداران و اصول بنیادی اخلاق را مهمترین موضوع برای تجدید حیات حیثیت حسابداری بیان می‌نماید. در این تحقیق بیان شده است که آینده حرفه حسابداری، به رهبری اخلاقی توسط حسابداران حرفه‌ای و رهبران این حرفه وابسته است. به نظر او رعایت معیارهای اخلاقی و آموزش آن‌ها، برای درستکاری حسابداران ضروری است.

"آذر و همکاران" (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی اخلاق در علم مدیریت پرداخته‌اند که در این تحقیق ضمن مقایسه موقعیت‌های دنیای طبیعی و انسانی و قیاسی تصمیم‌گیری در این موقعیت‌ها، به این مسئله توجه شده است که تصمیم‌گیری در موقعیت‌های انسانی نیازمند آن است که منطقی، ذهنیت و اخلاق توجه شود.

"خادمی و دیگران" (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای به بررسی عوامل موثر بر تصمیم‌گیری سهامداران در بورس اوراق بهادار تهران بر مبنای مدل معادلات ساختاری پرداخته‌اند. باتوجه به اینکه مالی رفتاری سرمایه‌گذاران و نحوه تصمیم‌گیری در بورس‌های اوراق بهادار، ناشی از عوامل مختلفی است، پژوهش‌گفته شده برای شناسایی این عوامل انجام شد. ابتدا از طریق پرسشنامه، اطلاعات جمع‌آوری سپس با استفاده از روش تحلیل عاملی، عوامل شناسایی شدند. در ادامه، عوامل گفته شده در حوزه عوامل سیاسی، اقتصادی، روانی بازار و متغیرهای مالی در سطح شرکت با انجام تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار لیزرل مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد، به ترتیب عوامل سیاسی، عوامل روانی بازار، عوامل اقتصادی و عوامل مالی در سطح شرکت، بالاترین تاثیر را بر تصمیم‌گیری سهامداران در بورس اوراق بهادار تهران دارند.

"فرقاندوست حقیقی و منصور زارع" (۱۳۸۶) اصول اخلاقی به عنوان یکی از مفروضات بنیادی در حرفه حسابداری مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله به اصول اخلاقی در حرفه حسابداری و حسابرسی و نقشی که دانشگاهیان حسابداری در این مورد دارند و همچنین نقش آتی آنها در پیشرفت رفتار اخلاقی تاکید شده است. نتایج بدست آمده از این مقاله حاکی از آن است که دانشگاهیان یا شاغلان در حرفه باید اصول اخلاقی را بیاموزند.

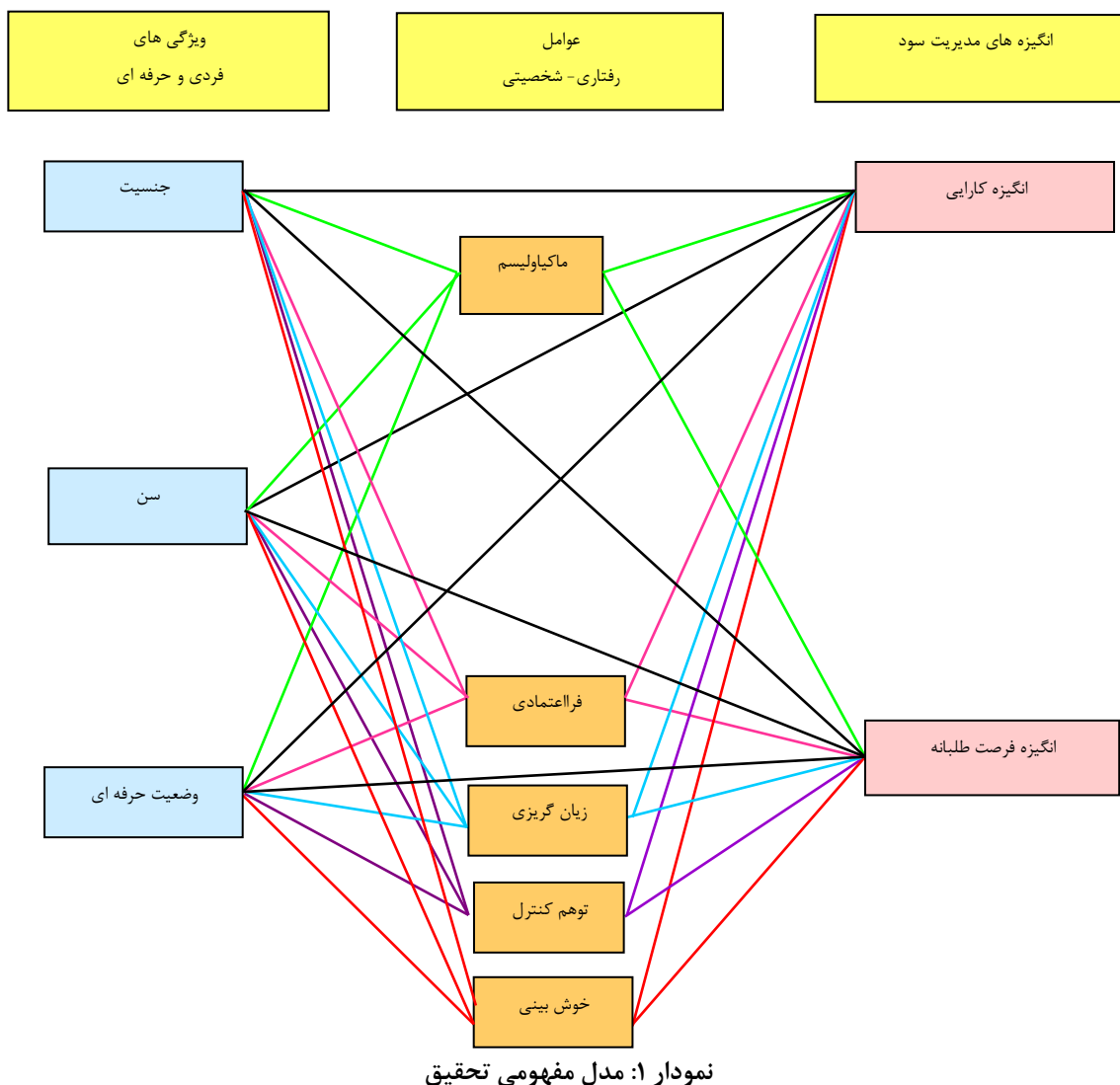
به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، پس از جمع آوری داده ها با استفاده از نرم افزار spss، از آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و آنالیز واریانس استفاده می شود.

#### ۴- الگوی پژوهش و متغیرهای آن

در این بررسی متغیرهای مستقل، عبارتند از تورش های فرااعتمادی، توهم کنترل، زبان گریزی، خوش بینی و ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم و متغیرهای وابسته، مدیریت سود فرصت طلبانه و کارا هستند. با بهره گیری از ادبیات موضوع در حوزه مالی رفتاری و مدیریت سود، در این پژوهش چهارچوب مفهومی زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

بازار سرمایه ایران و همچنین اطلاعات مرتبط با انگیزه های مدیریت سود (انگیزه کارایی، انگیزه فرصت طلبانه) براساس پرسشنامه مدیریت سود برگرفته از پرسشنامه های استفاده شده توسط بلسکی، بیمز و بروزووسکی (۲۰۰۸) با متناسب سازی برای بازار سرمایه ایران و با نظر صاحب نظران و اساتید، و پرسشنامه استاندارد ماکیاولیسم کریستی و جیس (۱۹۷۰)، جمع آوری می گردد.

هر سه پرسشنامه مورد استفاده (سنجش تورش های رفتاری، سنجش انگیزه های مدیریت سود و سنجش ماکیاولیسم) همگی پرسشنامه های استاندارد هستند که با اخذ نظر صاحب نظران حوزه مالی و حسابداری برای بازار سرمایه ایران بومی سازی شده اند و بنابراین از روایی و پایایی مناسبی برخوردارند.



## ۵- فرضیه های پژوهش

**فرضیه سوم:** تورش های رفتاری- شخصیتی و انگیزه های مدیریت سود به نسبت وضعیت حرفه ای متفاوت هستند.

**فرضیه چهارم:** تورش های رفتاری- شخصیتی و انگیزه های مدیریت سود در زنان و مردان متفاوت است.

**فرضیه اول:** تورش های رفتاری- شخصیتی از ویژگی موثر بر انگیزه های مدیریت سود برخوردار است بطوریکه کمیت و کیفیت آن، موجب انگیزه بیشتر مدیریت سود می گردد.

فرضیه فرعی اول: تورش فرااعتمادی از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود کارا برخوردار است.

فرضیه فرعی دوم: تورش توهم کنترل از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود کارا برخوردار است.

فرضیه فرعی سوم: تورش زیان گریزی از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود کارا برخوردار است.

فرضیه فرعی چهارم: تورش خوش بینی از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود کارا برخوردار است.

فرضیه فرعی پنجم: شخصیت ماکیاولیسم از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود کارا برخوردار است.

فرضیه فرعی ششم: تورش فرااعتمادی از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود فرصت طلبانه برخوردار است.

فرضیه فرعی هفتم: تورش توهم کنترل از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود فرصت طلبانه برخوردار است.

فرضیه فرعی هشتم: تورش زیان گریزی از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود فرصت طلبانه برخوردار است.

فرضیه فرعی نهم: تورش خوش بینی از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود فرصت طلبانه برخوردار است.

فرضیه فرعی دهم: شخصیت ماکیاولیسم از ویژگی موثر بر انگیزه مدیریت سود فرصت طلبانه برخوردار است.

**فرضیه دوم:** سن موجب تورش های رفتاری- شخصیتی می گردد و از این طریق بر انگیزه های مدیریت سود تاثیر معنی داری دارد.

## ۶- نتایج پژوهش

بر اساس محاسبات آماری انجام شده، نتایج بدست آمده به شرح ذیل است:

### آمار توصیفی

براساس یافته ها، حدود ۳۰ درصد از نمونه شامل زنان و ۷۰ درصد مردان هستند. همچنین حدود ۴۶ درصد حسابرس، ۳۴ درصد حسابدار و ۲۰ درصد تحلیلگر مالی هستند. توزیع سنی نشان می دهد که ۶ درصد از نمونه آماری بین ۲۵ تا ۳۰ سال سن دارند، ۳۲ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ ساله، ۲۳ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ ساله و ۹ درصد بین ۵۱ تا ۶۵ ساله هستند. جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می دهد.

با توجه به جدول ۱، میانگین تورش های رفتاری- شخصیتی به ترتیب فرا اعتمادی (11/26) و توهم کنترل (5/61)، زیان گریزی (6/53) و خوش بینی (6/51) و ماکیاولیسم (23/25) و میانگین مدیریت سود کارا (22/1) و مدیریت سود فرصت طلبانه (19/01) می باشد. میانه تورش های رفتاری- شخصیتی به ترتیب فرا اعتمادی (۱۱) و توهم کنترل (۶)، زیان گریزی (۶) و خوش بینی (۷) و ماکیاولیسم (۲۳) و میانه مدیریت سود کارا (۲۲) و میانه مدیریت سود فرصت طلبانه (۱۹) می باشد.

جدول ۱: توصیف شاخص های گرایش مرکزی پیرامون تورش های رفتاری- شخصیتی و مدیریت سود

تعداد	انحراف استاندارد	میانه	میانگین	بیشترین	کمترین	
303	۲/۳۱	۱۱	11/2673	۱۷	۶	تورش فرا اعتمادی
303	۱/۰۴	۶	۵/۶۱	۷	۳	تورش توهم کنترل
303	۰/۸۴	۶	۶/۵۳	۸	۴	تورش زیان گریزی
303	۱/۰۸	۷	۶/۵۱	۸	۳	تورش خوش بینی
303	۵/۵	۲۳	۲۳/۲۵	۴۰	۸	ماکیاولیسم
303	۶/۴	۲۲	۲۲/۱	۴۰	۷	مدیریت سود کارا
۳۰۳	۷/۱	۱۹	۱۹/۰۱	۴۲	۶	مدیریت سود فرصت طلبانه

### آزمون فرضیه اول

**فرضیه اصلی:** تورش های رفتاری- شخصیتی و انگیزه های مدیریت سود رابطه معنی دار دارند.

**الف- آزمون همبستگی پیرسون بین تورش های رفتاری- شخصیتی و مدیریت سود کارا**  
با توجه به نرمال بودن متغیرها بر اساس آزمون کولموگروف اسمیرنوف، در اینجا با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون ارتباط بین متغیرهای تورش های رفتاری- شخصیتی و مدیریت سود کارا را می سنجیم؛ نتایج به صورت جداول ۲ است.

با توجه به سطح معنی داری بدست آمده برای همبستگی بین ماکیاولیسم و مدیریت سود کارا (0/000)، می توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان ماکیاولیسم و مدیریت سود کارا با همدیگر ارتباط معنی دار دارند.

**ب- رگرسیون**

با توجه به جدول فوق، و مقادیر  $t=4/333$  و  $Beta=0/246$  و سطح معنی داری  $<0/05$ ، تاثیر ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم بر مدیریت سود کارا به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین از بین فرضیات فرعی اول تا پنجم، فرضیه فرعی

پنجم مبنی بر اینکه بین ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم و مدیریت سود کارا رابطه معنی داری وجود دارد پذیرفته می شود و این رابطه مستقیم است. از سوی دیگر با توجه به  $VIF$  ها و  $Tolerance$  های محاسبه شده، فرض عدم وجود خودهمبستگی میان متغیرهای مستقل تأیید می شود. با توجه به  $D. W.$  بدست آمده در جدول فوق، فرض عدم وجود خودهمبستگی بین خطاهای مدل نیز تأیید می شود.

یافته ها حاکی از آن است که هرچه فرد فرصت طلب تر باشد بیشتر دست به رفتارهای غیراخلاقی زده و بیشتر اقدام به مدیریت سود کارا می کند. نتایج به دست آمده با یافته های پیشین مبنی بر وجود رابطه مثبت معنی دار بین ماکیاولیسم و رفتارهای غیراخلاقی و اقدام به مدیریت سود سازگار است. با توجه به جدول ۴ سطح معنی داری آماره  $F$  کمتر از  $0/05$  می باشد و این به این معنی است که تغییر نشان داده شده بوسیله مدل بر اثر اتفاق نیست.

ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد که ۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته ناشی از تغییر در متغیرهای مستقل است. و مابقی ناشی از سایر متغیرهاست که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته اند.

**جدول ۲: ضریب همبستگی تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود کارا**

مدیریت سود کارا	فرا اعتمادی	توهم کنترل	زبان گریزی	خوش بینی	ماکیاولیسم
مدیریت سود کارا	1/000	-0/09	-0/03	0/066	0/25
سطح معنی داری	0/08	0/61	0/27	0/98	0/00
تعداد	303	303	303	303	303

**جدول ۳: ضریب بتا تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود کارا**

آماره هم خطی	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده		تورش	متغیر وابسته
	B	خطای استاندارد	Beta	t		
مقدار ثابت	12/27	0/18		2/553	سطح معنی داری	0/011
فرا اعتمادی	-0/27	0/18	-0/098	-1/508	Tolerance	0/731
توهم کنترل	-0/16	0/34	-0/027	-0/475	VIF	0/995
زبان گریزی	0/54	0/42	0/073	1/279		0/958
خوش بینی	0/55	0/39	0/092	1/410		0/725
ماکیاولیسم	0/29	0/066	0/246	4/333		0/968

Durbin Watson = 1/881

متغیر وابسته: مدیریت سود کارا

**جدول ۴: سنجش اعتبار مدل همبستگی تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود کارا**

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	959/127	5	191/825	4/931	0/000
بازمانده ها	11553/276	297	38/900		
کل	12512/403	302			



جدول ۵: آماره های توصیفی مدل همبستگی تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود کارا

مدل	R	R2	تعدیل شده R2	خطای استاندارد تخمین
۱	0/277	8%	6%	6/23698

الف- آزمون همبستگی پیرسون بین تورش های رفتاری- شخصیتی و مدیریت سود فرصت طلبانه

فرض عدم وجود خودهمبستگی بین خطاهای مدل نیز تأیید می شود. یافته ها حاکی از آن است که هرچه فرد فرصت طلب تر باشد بیشتر دست به رفتارهای غیراخلاقی زده و بیشتر اقدام به مدیریت سود فرصت طلبانه می کند. نتایج به دست آمده با یافته های پیشین مبنی بر وجود رابطه مثبت معنی دار بین ماکیاولیسم و رفتارهای غیراخلاقی و اقدام به مدیریت سود سازگار است.

ب- رگرسیون با توجه به جدول ۷، و مقادیر  $\beta = 0/224$  و  $t = 3/934$  و  $\beta > 0/05$ ، تأثیر ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم بر مدیریت سود فرصت طلبانه به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین از بین فرضیات فرعی ششم تا دهم، فرضیه فرعی دهم مبنی بر اینکه بین ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم و مدیریت سود فرصت طلبانه رابطه معنی داری وجود دارد پذیرفته می شود و این رابطه مستقیم است. از سوی دیگر با توجه به اینکه درمورد متغیرهای مستقل، VIF ها و Tolerance های محاسبه شده، فرض عدم وجود خودهمبستگی میان متغیرهای مستقل تأیید می شود. باتوجه به D. W. بدست آمده در جدول فوق،

ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد که ۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته ناشی از تغییر در متغیرهای مستقل است. و مابقی ناشی از سایر متغیرهاست که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته اند.

باتوجه به جدول ۸ سطح معنی داری آماره F کمتر از 0/05 می باشد و این به این معنی است که تغییر نشان داده شده بوسیله مدل بر اثر اتفاق نیست.

ب- رگرسیون با توجه به جدول ۷، و مقادیر  $\beta = 0/224$  و  $t = 3/934$  و  $\beta > 0/05$ ، تأثیر ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم بر مدیریت سود فرصت طلبانه به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین از بین فرضیات فرعی ششم تا دهم، فرضیه فرعی دهم مبنی بر اینکه بین ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم و مدیریت سود فرصت طلبانه رابطه معنی داری وجود دارد پذیرفته می شود و این رابطه مستقیم است. از سوی دیگر با توجه به اینکه درمورد متغیرهای مستقل، VIF ها و Tolerance های محاسبه شده، فرض عدم وجود خودهمبستگی میان متغیرهای مستقل تأیید می شود. باتوجه به D. W. بدست آمده در جدول فوق،

جدول ۶: ضریب همبستگی بین تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود فرصت طلبانه

مدیریت سود فرصت طلبانه	فرااعتمادی	توهم کنترل	زیان گریزی	خوش بینی	ماکیاولیسم
مدیریت سود فرصت طلبانه	0/06	0/09	0/07	0/02	0/22
سطح معنی داری	320/	0/11	0/21	0/7	/000
تعداد	303	303	303	303	303

جدول ۷: ضریب بتا تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود فرصت طلبانه

مقدار ثابت	ضریب استاندارد نشده		ضریب استاندارد شده		آماره هم خطی	
	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معنی داری	Tolerance
مقدار ثابت	8/713	5/297		1/645	0/001	
فرااعتمادی	-0/178	0/200	-0/058	-0/889	0/374	1/369
توهم کنترل	-0/608	0/380	-0/090	-1/598	0/111	1/005
زیان گریزی	0/747	0/468	0/091	1/597	0/111	1/044
خوش بینی	0/636	0/429	0/097	1/481	0/140	1/379
ماکیاولیسم	0/288	0/073	0/224	3/934	0/000	1/033

Durbin Watson = 1/779

متغیر وابسته: مدیریت سود فرصت طلبانه

جدول ۸: سنجش اعتبار مدل همبستگی تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود فرصت طلبانه

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	1060/1	5	212/020	4/486	0/001
بازمانده ها	14035/886	297	47/259		
کل	15095/987	302			

جدول ۹: آماره توصیفی مدل همبستگی تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود فرصت طلبانه

مدل	R	R2	تعدیل شده R2	خطای استاندارد تخمین
۱	0/265	8%	6%	6/87451

## آزمون فرضیه دوم

رابطه مستقیم است؛ یعنی، با افزایش سن، فرااعتمادی و خوش بینی فرد افزایش می یابد.

درحقیقت در تصمیم گیری مالی و مدلسازی مالی، باید این نکته را مدنظر قرار داد که هرچه فرد جوانتر است بیشتر رفتارهای سودجویانه می کند و ممکن است با توهم کنترلی که دارد دست به تصمیماتی بزند که کارایی لازم را نداشته باشند؛ از سوی دیگر، هرچه سن فرد افزایش می یابد اعتماد به نفس بیش از اندازه پیدا می کند و ممکن است تصمیمات مالی خود را صحیح تر و آگاهانه تر از آنچه هست تصور کند و به نتایج و پیامدهای تصمیم مالی خود خوش بین تر است و این منجر به اتخاذ تصمیمات نادرست و با کیفیت پایین تر می گردد.

سن و تورش های رفتاری - شخصیتی و انگیزه مدیریت سود با هم رابطه آماری معنی داری دارند.

با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون ارتباط بین متغیرهای تورش های رفتاری - شخصیتی و مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه را می سنجیم؛ نتایج به صورت جداول زیر است.

بر اساس مقادیر بدست آمده در جدول ۱۰، می توان گفت در این بررسی با ۹۵ درصد اطمینان، سن و متغیرهای توهم کنترل و ماکیاولیسم باهم ارتباط معنی دار داشته و این رابطه معکوس است؛ یعنی، هرچه فرد جوانتر است، فرصت طلب تر است و توهم کنترل بیشتری دارد. سن و تورش های فرااعتمادی و خوش بینی باهم ارتباط معنی دار داشته و این

جدول ۱۰: ضریب همبستگی تورش های رفتاری - شخصیتی، مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه و سن

مدیریت سود کارا	مدیریت سود فرصت طلبانه	فرااعتمادی	توهم کنترل	زیان گریزی	خوش بینی	ماکیاولیسم
سن	-0/085	-0/091	0/252	-0/151	-0/069	-0/148
سطح معنی داری	0/138	0/115	0/000	0/009	0/233	0/010
تعداد	303	303	303	303	303	303

## آزمون فرضیه سوم

دارد؛ با ۹۵ درصد اطمینان بین میانگین خوش بینی و تمایل به مدیریت سود کارا در سه گروه یاد شده، تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. برای کشف این مطلب که میانگین کدام گروه ها برابر نیستند و باتوجه به اینکه حجم گروه های مورد مقایسه برابر نیستند، آزمون Scheffe را انجام می دهیم. نتایج به صورت زیر است.

تورش های رفتاری - شخصیتی و انگیزه های مدیریت سود به نسبت وضعیت حرفه ای متفاوت هستند.

$$H_0: \mu_1 = \dots = \mu_n$$

$$H_1: \mu_1 \neq \dots \neq \mu_n$$

باتوجه به سطح معنی داری های بدست آمده در جدول ۱۱

و ۱۲ می توان گفت در این بررسی با ۹۰ درصد اطمینان بین میانگین زیان گریزی سه گروه تفاوت آماری معنی داری وجود

مدیریت سود کارا دارند. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر این که "تورش های رفتاری- شخصیتی و انگیزه مدیریت سود باتوجه به وضعیت حرفه ای متفاوت هستند"، در این بررسی با ۹۵ درصد اطمینان در مورد تورش رفتاری خوش بینی و مدیریت سود کارا و با ۹۰ درصد اطمینان در مورد تورش زیان‌گریزی پذیرفته می‌شود.

باتوجه به جدول ۱۳ می‌توان گفت در این بررسی با ۹۰ درصد اطمینان حسابرسان زیان‌گریزتر از افراد فعال در امور مالی و تحلیلگری هستند.

باتوجه به جدول ۱۴ می‌توان گفت در این بررسی با ۹۵ درصد اطمینان افراد فعال در امور مالی و تحلیلگری خوش بین تر از حسابرسان هستند.

باتوجه به جدول زیر می‌توان گفت در این بررسی با ۹۵ درصد اطمینان حسابرسان کمتر از حسابداران تمایل به

جدول ۱۱: توصیف شاخص‌های گرایش مرکزی پیرامون تورش‌های رفتاری - شخصیتی و انگیزه‌های مدیریت سود

باتوجه به وضعیت حرفه ای

حداکثر نمره	حداقل نمره	ضریب اطمینان ۹۵٪		خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
		کرانه بالا	کرانه پایین						
17	6	11/4056	10/6795	0/18365	2/18067	11/0426	۱۴۱	حسابرس	تورش فراعتمادی
17	7	12/0546	11/0993	0/24085	2/45619	11/5769	۱۰۴	حسابدار	
16	6	11/8749	10/6424	0/30775	2/34379	11/2586	۵۸	امور مالی	
17	6	11/5289	11/0057	0/13295	2/31418	11/2673	۳۰۳	جمع	
7	3	5/7737	5/4178	0/09002	1/06890	5/5957	۱۴۱	حسابرس	تورش توهم کنترل
7	3	5/8376	5/4509	0/09750	0/99434	5/6442	۱۰۴	حسابدار	
7	4	5/8524	5/2856	0/14153	1/07788	5/5690	۵۸	امور مالی	
7	3	5/7251	5/4894	0/05989	1/04258	5/6073	۳۰۳	جمع	
8	5	6/7601	6/4740	0/07235	0/85907	6/6170	۱۴۱	حسابرس	تورش زیان‌گریزی
8	5	6/6916	6/3853	0/07720	0/78732	6/5385	۱۰۴	حسابدار	
8	4	6/5672	6/0534	0/12829	0/97705	6/3103	۵۸	امور مالی	
8	4	6/6290	6/4337	0/04964	0/86402	6/5314	۳۰۳	جمع	
8	4	6/5182	6/1626	0/08993	1/06791	6/3404	۱۴۱	حسابرس	تورش خوش بینی
8	3	6/8266	6/3849	0/11136	1/13564	6/6058	۱۰۴	حسابدار	
8	4	7/0113	6/5060	0/12616	0/96082	6/7586	۵۸	امور مالی	
8	3	6/6339	6/3892	0/06217	1/08223	6/5116	۳۰۳	جمع	
37	12	24/2536	22/4272	0/46191	5/48482	23/3404	۱۴۱	حسابرس	ماکیاولیسم
40	8	24/8053	22/6562	0/54180	5/52528	23/7308	۱۰۴	حسابدار	
39	14	23/6175	20/7618	0/71305	5/43044	22/1897	۵۸	امور مالی	
40	8	23/8756	22/6326	0/31583	5/49757	23/2541	۳۰۳	جمع	
40	7	22/1559	19/9859	0/54880	6/51662	21/0709	۱۴۱	حسابرس	مدیریت سود کارا
39	7	24/6803	22/2620	0/60969	6/21766	23/4712	۱۰۴	حسابدار	
36	8	23/6483	20/3517	0/82314	6/26883	22/0000	۵۸	امور مالی	
40	7	22/8003	21/3449	0/36978	6/43675	22/0726	۳۰۳	جمع	
36	6	19/5366	17/4705	0/52251	6/20440	18/5035	۱۴۱	حسابرس	مدیریت سود فرصت طلبانه
42	6	20/8793	17/7746	0/78273	7/98231	19/3269	۱۰۴	حسابدار	
38	6	21/5858	17/7245	0/96413	7/34262	19/6552	۵۸	امور مالی	
42	6	19/8059	18/2073	0/40617	7/07013	19/0066	۳۰۳	جمع	

**جدول ۱۲: تحلیل واریانس پیرامون تورش های رفتاری - شخصیتی و انگیزه های مدیریت سود با توجه به وضعیت حرفه ای**

سطح معنی داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات		
0/203	1/603	8/548	2	17/097	بین گروهها	تورش فرااعتمادی
		5/334	300	1600/250	درون گروهها	
			302	1617/347	جمع	
0/894	0/112	0/123	2	0/246	بین گروهها	تورش توهم کنترل
		1/093	300	328/018	درون گروهها	
			302	328/264	جمع	
0/074	2/622	1/937	2	3/873	بین گروهها	تورش زیان گریزی
		0/739	300	221/579	درون گروهها	
			302	225/452	جمع	
0/025	3/735	4/296	2	8/593	بین گروهها	تورش خوش بینی
		1/150	300	345/117	درون گروهها	
			302	353/710	جمع	
0/225	1/500	45/199	2	90/397	بین گروهها	ماکیاولیسم
		30/123	300	9037/035	درون گروهها	
			302	9127/432	جمع	
0/015	4/256	172/599	2	345/198	بین گروهها	مدیریت سود کارا
		40/557	300	12167/204	درون گروهها	
			302	12512/403	جمع	
0/494	0/706	35/375	2	70/751	بین گروهها	مدیریت سود فرصت طلبانه
		50/084	300	15025/236	درون گروهها	
			302	15095/987	جمع	

**جدول ۱۳: مقایسات زوجی زیان گریزی نسبت به وضعیت حرفه ای**

ضریب اطمینان ۹۵٪		سطح معنی داری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین		
کرانه بالا	کرانه پایین				حسابدار	حسابرس
0/3518	-0/1947	0/779	0/11109	0/07856	حسابدار	حسابرس
0/6365	-0/0231	0/075	0/13406	0/30668	امور مالی	
0/1947	-0/3518	0/779	0/11109	-0/07856	حسابرس	حسابدار
0/5746	-0/1184	0/271	0/14084	0/22812	امور مالی	
0/0231	-0/6365	0/075	0/13406	-0/30668	حسابرس	امور مالی
0/1184	-0/5746	0/271	0/14084	-0/22812	حسابدار	

**جدول ۱۴: مقایسات زوجی خوش بینی نسبت به وضعیت حرفه ای**

ضریب اطمینان ۹۵٪		سطح معنی داری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین		
کرانه بالا	کرانه پایین				حسابدار	حسابرس
0/0757	-0/6064	0/162	0/13864	-0/26534	حسابدار	حسابرس
-0/0066	-0/8298	0/045	0/16731	-0/41820	امور مالی	
0/6064	-0/0757	0/162	0/13864	0/26534	حسابرس	حسابدار
0/2796	-0/5853	0/685	0/17577	-0/15285	امور مالی	
0/8298	0/0066	0/045	0/16731	0/41820	حسابرس	امور مالی
0/5853	-0/2796	0/685	0/17577	0/15285	حسابدار	

جدول ۱۵: مقایسات زوجی مدیریت سود کارا نسبت به وضعیت حرفه ای

ضریب اطمینان ۹۵٪		سطح معنی داری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین		
کرانه بالا	کرانه پایین					
-0/3752	-4/4253	0/015	0/82317	-2/40023	حسابدار	حسابرس
1/5148	-3/3729	0/646	0/99343	-0/92908	امور مالی	
4/4253	0/3752	0/015	0/82317	2/40023	حسابرس	حسابدار
4/0386	-1/0963	0/371	1/04367	1/47115	امور مالی	
3/3729	-1/5148	0/646	0/99343	0/92908	حسابرس	امور مالی
1/0963	-4/0386	0/371	1/04367	-1/47115	حسابدار	

آزمون فرضیه چهارم  
تورش‌های رفتاری- شخصیتی و انگیزه‌های مدیریت سود در زنان و مردان متفاوت است.  
فرااعتمادی در گروه مردان (11/7075) و در گروه زنان (10/2418)؛ میانگین خوش بینی در مردان (6/7170) و در زنان (6/0330)؛ میانگین زبان گریزی در گروه مردان (6/4623) و در گروه زنان (6/6923)؛ میانگین سود کارا در گروه مردان (22/1557) و در گروه زنان (21/8791) و میانگین مدیریت سود فرصت طلبانه در گروه مردان (19/7594) و در گروه زنان (17/2527) است.

با توجه به جدول ۱۶، میانگین ماکیاولیسم برای مردان (23/3302) و زنان (23/0769) می باشد؛ میانگین

$H_0: \mu_1 = \mu_2$   
 $H_1: \mu_1 \neq \mu_2$

جدول ۱۶: توصیف شاخص‌های گرایش مرکزی پیرامون تورش‌های رفتاری- شخصیتی و انگیزه‌های مدیریت سود با توجه به جنسیت

حداکثر نمره	حداقل نمره	ضریب اطمینان ۹۵٪		خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
		کرانه بالا	کرانه پایین					
17	6	12/0203	11/3948	0/15865	2/30995	11/7075	۲۱۲	تورش فرااعتمادی
15	6	10/6552	9/8283	0/20810	1/98517	10/2418	۹۱	
17	6	11/5289	11/0057	0/13295	2/31418	11/2673	۳۰۳	
7	3	5/6359	5/3453	0/07370	1/07311	5/4906	۲۱۲	تورش توهم کنترل
7	4	6/0701	5/6882	0/09612	0/91694	5/8791	۹۱	
7	3	5/7251	5/4894	0/05989	1/04258	5/6073	۳۰۳	
8	4	6/5789	6/3456	0/05919	0/86177	6/4623	۲۱۲	تورش زبان گریزی
8	4	6/8698	6/5148	0/08935	0/85235	6/6923	۹۱	
8	4	6/6290	6/4337	0/04964	0/86402	6/5314	۳۰۳	
8	4	6/8530	6/5809	0/06901	1/00477	6/7170	۲۱۲	تورش خوش بینی
8	3	6/2641	5/8018	0/116370	1/11006	6/0330	۹۱	
8	3	6/6339	6/3892	0/06217	1/08223	6/5116	۳۰۳	
40	8	24/1012	22/5592	0/39112	5/69480	23/3302	۲۱۲	ماکیاولیسم
39	13	24/1252	22/0286	0/52768	5/03373	23/0769	۹۱	
40	8	23/8756	22/6326	0/31583	5/49757	23/2541	۳۰۳	
40	7	23/0585	21/2528	0/45802	6/66883	22/1557	۲۱۲	مدیریت سود کارا
39	9	23/1060	20/6522	0/61758	5/89130	21/8791	۹۱	
40	7	22/8003	21/3449	0/36978	6/43675	22/0726	۳۰۳	
42	6	20/7269	18/7920	0/49079	7/14598	19/7594	۲۱۲	مدیریت سود فرصت طلبانه
38	6	18/6274	15/8781	0/69194	6/60066	17/2527	۹۱	
42	6	19/8059	18/2073	0/40617	7/07013	19/0066	۳۰۳	

جدول ۱۷: تحلیل واریانس پیرامون تورش های رفتاری - شخصیتی و انگیزه های مدیریت سود با توجه به جنسیت

سطح معنی داری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات		
0/000	27/811	136/797	1	136/797	بین گروهها	تورش فراعتمادی
		4/919	301	1480/549	درون گروهها	
			302	1617/347	جمع	
0/003	9/080	9/613	1	6/913	بین گروهها	تورش توهم کنترل
		1/059	301	318/651	درون گروهها	
			302	328/264	جمع	
0/033	4/567	3/369	1	3/369	بین گروهها	تورش زیان گریزی
		0/738	301	222/083	درون گروهها	
			302	225/452	جمع	
0/000	27/682	29/790	1	29/790	بین گروهها	تورش خوش بینی
		1/076	301	323/920	درون گروهها	
			302	353/710	جمع	
0/714	0/135	4/084	1	4/084	بین گروهها	ماکیاولیسم
		30/310	301	9123/348	درون گروهها	
			302	9127/432	جمع	
0/732	0/117	4/869	1	4/869	بین گروهها	مدیریت سود کارا
		41/553	301	12507/534	درون گروهها	
			302	12512/403	جمع	
0/004	8/194	400/069	1	400/069	بین گروهها	مدیریت سود فرصت طلبانه
		48/824	301	14695/918	درون گروهها	
			302	15095/987	جمع	

#### ۷- نتیجه گیری و بحث

در این پژوهش به بررسی تورش های رفتاری و انگیزه های مدیریت سود پرداختیم با امید به آن که با شناختی کافی از موضوع، راهکارهایی مناسب در این زمینه ارائه گردد. پس از انجام تحلیل داده های پژوهش، آزمون فرضیه اول نشان داد که میان ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم و انگیزه های مدیریت سود فرصت طلبانه و کارا رابطه آماری معنی داری وجود داشته و این رابطه مستقیم است اما میان تورش های رفتاری فراعتمادی، توهم کنترل، خوش بینی و زیان گریزی با مدیریت سود ارتباط آماری معناداری وجود نداشت؛ نتایج آزمون این فرضیه را می توان اینطور تحلیل نمود که علت مدیریت سود، خطاهای ذهنی نیست زیرا تورش های رفتاری ناخودآگاه بوده و بر اثر خطاهای ضمیر ناخودآگاه به وجود می آیند درحالیکه افراد کاملاً هوشیارانه و با انگیزه ماکیاولیسم و بهره جویی از دیگران اقدام به تحمیل افراد و فریبکاری کرده و سود را دستکاری می کنند. این یافته ها بیانگر آن است که مدیریت سود رفتاری است که بیشتر با ویژگی های شخصیتی و اخلاقی مرتبط است تا با ذهنیت و مسائل ذهنی. در نتیجه برای سیاستگذاری در حوزه مدیریت سود توجه به اخلاق و

باتوجه جدول فوق می توان گفت در این بررسی با ۹۵ درصد اطمینان مردان نسبت به زنان بیشتر در معرض تورش فراعتمادی هستند؛ توهم کنترل زنان از مردان بیشتر است؛ زنان از مردان زیان گریزتر هستند؛ مردان بیشتر از زنان در معرض تورش خوش بینی هستند و مردان بیشتر از زنان اقدام به مدیریت فرصت طلبانه می کنند؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر این که "تورش های رفتاری - شخصیتی و انگیزه مدیریت سود باتوجه به جنسیت متفاوت هستند"، در این بررسی با ۹۵ درصد اطمینان، در مورد تورش های فراعتمادی، توهم کنترل، زیان گریزی، خوش بینی و مدیریت سود فرصت طلبانه پذیرفته می شود.

در حقیقت نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه چهارم این پژوهش با یافته های تحقیقات پیشین مبنی بر اینکه تصمیمات مالی در زنان و مردان تفاوت آماری معنی دار دارند سازگار بوده و این موضوع را می توان اینطور تفسیر نمود که در تصمیمات مالی و مدلسازی مالی با توجه به تفاوت هایی که وجود دارد بهتر است مولفه جنسیت را نیز مدنظر قرار داد.

که بیان داشته اند رابطه مستقیم بین سن و فراعتمادی وجود دارد، سازگار است. پیشنهاد می‌گردد از یک سو برای حفظ ارزش‌های اخلاقی و اخلاقی حرفه‌ای در مورد مدیریت سود و پیامدهای منفی آن، آموزش‌های لازم ارائه و فرهنگ سازی شود؛ از سوی دیگر، برای حفظ حقوق صاحبان سهام و ذینفعان، سیستم و سازوکارهای نظارتی اثربخش بمنظور نظارت و کنترل رفتار تهیه کنندگان گزارش‌های مالی طراحی و پیاده سازی شود.

فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه "تورش‌های رفتاری- شخصیتی و انگیزه‌های مدیریت سود به نسبت وضعیت حرفه‌ای متفاوت هستند" از طریق آزمون تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که حساب‌برسان از افراد فعال در امور مالی و تحلیلگری زبان‌گريزتر هستند؛ افراد فعال در امور مالی و تحلیلگری از حساب‌برسان خوش‌بین‌تر هستند و حساب‌برسان کمتر از حسابداران تمایل به مدیریت سود دارند. بنابراین فرضیه سوم پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان در مورد تفاوت تورش‌های رفتاری زبان‌گريزی و خوش‌بینی و مدیریت سود کارا به نسبت وضعیت حرفه‌ای حسابداری، حسابرسی و فعالیت در امور مالی و تحلیلگری پذیرفته می‌شود. نتایج با یافته‌های مینش میتال و آر کی ویاس (۲۰۰۸) که بیان داشته اند وضعیت حرفه‌ای بر تصمیمات مالی اثر می‌گذارد سازگار است. باتوجه به اینکه حساب‌برسان نسبت به سایر مشاغل مورد بررسی، به ندرت تمایل به مدیریت سود دارند، پیشنهاد می‌شود از آنها به عنوان عوامل نظارتی درون سازمانی در قالب کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و ... به عنوان عوامل محدود کننده مدیریت سود بهره گرفته شود. از آنجایی که تورش خوش‌بینی اثرات تخریبی در تصمیمات مالی داشته و تحلیلگران مالی نسبت به سایر مشاغل مورد بررسی بیشتر در معرض این تورش قرار دارند، پیشنهاد می‌شود عوامل محدود کننده در مورد خطاهای ذهنی افراد فعال در امور مالی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر اینکه "تورش‌های رفتاری- شخصیتی و انگیزه‌های مدیریت سود در زنان و مردان متفاوت است" از طریق آزمون تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بیانگر آن است که تورش‌های فراعتمادی، توهم کنترل، زبان‌گريزی و خوش‌بینی بین زنان و مردان تفاوت آماری معناداری داشته و تورش فراعتمادی در مردان بیش از زنان، توهم کنترل زنان بیشتر از مردان، زنان زبان‌گريزتر از مردان و مردان خوش‌بین‌تر از زنان هستند. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان در مورد تفاوت تورش‌های رفتاری فراعتمادی، توهم کنترل، زبان‌گريزی و خوش‌بینی

ویژگی‌های شخصیتی نسبت به آنچه به ذهن و ویژگی‌های آن مرتبط است در اولویت می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات و نظریات پیشین مطابقت دارد؛ در نظریه اثباتی حسابداری، انگیزه‌های مدیر برای دستکاری سود را یک موضوع غیراخلاقی می‌دانند و این نظریه اعتقاد دارد که دستکاری مدیر در ارقام سود موجب عدم تقارن اطلاعاتی از نوع کژمنشی<sup>۷</sup> میان مدیر و استفاده کنندگان اطلاعات مالی می‌شود و افراد با انگیزه‌های سودجویانه و رفتارهای غیراخلاقی و هوشیارانه اقدام به مدیریت سود می‌کنند تا منافع خود را حداکثر کنند. بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه "تورش‌های رفتاری- شخصیتی و انگیزه‌های مدیریت سود رابطه آماری معناداری باهم دارند"، با ۹۵ درصد اطمینان در مورد ارتباط بین ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم و انگیزه‌های مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه پذیرفته می‌شود. نتایج با یافته‌های مورفی (۲۰۱۲)، دایاناندان (۲۰۱۲)، ویکفیلد (۲۰۰۸)، استوارت و استوارت (۲۰۰۶) و هرگیس (۲۰۰۶)، شیرخانی (۱۳۹۰) و اعتمادی و رحمانی (۱۳۸۸)، جفایی و کاردان (۱۳۸۷) که بیان داشته اند که میان ماکیاولیسم و رفتارهای غیراخلاقی و اقدام به مدیریت سود رابطه معنی‌دار وجود دارد، سازگار است. پیشنهاد می‌شود در سازمان‌ها و میان مدیران و اعضای هیئت مدیره در مورد ارزش‌های اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای و مدیریت سود و پیامدهای آن آموزش‌های لازم ارائه و فرهنگ‌سازی شود؛ واحدهای نظارت‌کننده و سیاست‌گذاران و اعضای هیئت مدیره، به منظور کاهش رفتارهای فرصت طلبانه و جلوگیری از دستکاری سود، نظام پاسخگویی و ارکان راهبری در شرکت‌ها را تقویت کنند.

فرضیه دوم پژوهش مبنی بر "ارتباط بین سن و تورش‌های رفتاری- شخصیتی و انگیزه‌های مدیریت سود" از طریق آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت؛ آزمون فرضیه دوم نشان داد که میان سن و تورش‌های رفتاری فراعتمادی، توهم کنترل، خوش‌بینی و ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم، رابطه آماری معنی‌داری وجود داشته و رابطه بین سن و فراعتمادی و خوش‌بینی مستقیم و بین سن و توهم کنترل و ماکیاولیسم معکوس است. درحقیقت با افزایش سن فرد بیشتر در معرض تورش فراعتمادی قرار گرفته و خوش‌بین‌تر می‌شود و افراد جوانتر فرصت طلب‌تر هستند و بیشتر در معرض تورش توهم کنترل قرار دارند. بنابراین فرضیه دوم پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان در مورد ارتباط بین سن و تورش‌های فراعتمادی، توهم کنترل و خوش‌بینی و ویژگی شخصیتی ماکیاولیسم پذیرفته می‌شود. نتایج با یافته‌های مینش میتال و آر کی ویاس (۲۰۰۸)، گریستر و هس (۱۹۹۱)

- Investment", Quarterly Journal of Economics. 116: 261-292.
- \* Barros, L. & da Silveira, A. (2008). "Overconfidence, Managerial Optimism, and the Determinants of Capital Structure", Brazilian Review of Finance 6 (3).
- \* Beatty, A., B. Ke, and K. Petroni. (2002). "Earnings management to avoid earnings declines across publicly and privately held banks". The Accounting Review 77 (July): 547-570.
- \* Ben-David I., Graham, J. and Harvey, C., (2007). "Managerial Overconfidence and Corporate Policies", NBER Working Paper, No. 13711.
- \* Brabazon, T. (2012). "Behavioral Finance: A New Sunrise or False Down?", Coll Sumer School, University of Limeric.
- \* Brunell, A. B. Staats, S., Barden, J., Hupp, J. M. (2011). "Narcissism and Academic Dishonesty: The Exhibitionism Dimension and the Lack of Guilt". Personality and Individual Differences 20(3), 322-328.
- \* Chatterjee, A., Hambrick, D. C. (2011). "Executive Personality, Capability Cues, and Risk Taking: How Narcissistic CEOs React to Their Successes and Stumbles". Administrative Science Quarterly 56(2), 202-237.
- \* Christie, R., Geis, F., 1970. "Studies in Machiavellianism". New York: Academic Press.
- \* Darrrough, N. M., H. Pourjalali, and S. Ond Saudogaran. (1998). "Earnings management in Japanese companies". The International Journal of Accounting no.33: 313-334.
- \* Davidson, W. N., Jiraporn, P., Kim, Y. S., Nemeč, C., (2004). "Earnings Management Following Duality-Creating Succession: Ethnostatistics, Impression Management and Agent Theory", Academy of Management Journal, Vol. 47, No. 2, PP: 267-275.
- \* Dayanandan, A., Donker, H., Lin, K., (2012). "Ethical Perception on Earnings Management". Int. J. Behavioral Accounting and Finance, Vol. 3, Nos. 3/4.
- \* Dechow, P. M., and D. J. Skinner. (2000). "Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators". Accounting Horizons 14 (June): 235-250.
- \* DeGeorge, K. J. Patel, and R. Zeckhauser. (1999). "Earnings management to exceed thresholds". Journal of Business, Vol. 72: 1-33.
- \* Demerjian, P., Lewis, M., Mc Vay, S., (2014). "Earnings Smoothing: For Good Or Evil?" Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=2426313>.
- \* Fama E., and M. C. Jensen. (1983). "Separation of ownership and control". Journal of Law and Economics (26): 301-325.
- \* Fang, Yu. (2008). "Analyst Coverage and Earning Management". Journal of Financial Economics. no. 88: 245-271.
- \* Fields, T., T. Lys, and L. Vincent. (2001). "Empirical research on accounting choice". Journal of Accounting and Economics, 31: 255-307.
- زنان و مردان پذیرفته می شود. نتایج با یافته های برابر و اودن (۲۰۰۹)، مک دونالد (۱۹۹۷) و رضائیان و همکاران (۱۳۸۴) که بیان داشته اند تصمیمات مالی در زنان و مردان تفاوت آماری معنی داری دارد و زنان ریسک گریزتر هستند و فرآیند اعتمادی مردان از زنان بیشتر است، سازگار است. پیشنهاد می گردد که باتوجه به احتمال خطای ذهنی زنان و مردان چارچوبی نسبتاً مستحکم در برابر تورش های رفتاری طراحی شده و مولفه جنسیت را در مدلسازی و تصمیم گیری مالی مدنظر قرار دهند. از سوی دیگر پیشنهاد می شود به منظور کاهش تفاوت های رفتاری میان زنان و مردان به آنها در مورد این تفاوت ها آگاهی داده شود.
- فهرست منابع**
- \* آذر، عادل؛ ربیعه، مسعود؛ قیطاسی، فاطمه؛ (۱۳۸۷): "اخلاق در علم مدیریت"، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، شماره های ۱ و ۲.
- \* اعتمادی، حسین. رحمانی، حلیمه. ۱۳۸۸. "بررسی تجربی اخلاق در مدیریت سود"، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال چهارم. شماره ۱: ۲-۴.
- \* جفائی، منیره؛ کاردان، بهزاد؛ (۱۳۸۷). "بررسی تأثیر جهت گیری اخلاقی و تعهد حرفه ای بر رفتار مدیریت سود"، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- \* حاجی وند، تقی؛ (۱۳۸۹). "تحقیقی پیرامون انگیزه های مدیریت در هموارسازی سود گزارش شده". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده مدیریت تهران.
- \* رضائیان، علی؛ تهرانی، رضا؛ صدقی خوراسگانی، حسین؛ (۱۳۸۴)، "شناسایی و توصیف سبک های غالب رفتاری سرمایه گذاران در بازار سهام تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت.
- \* سرلک، نرگس؛ (۱۳۸۷): "اخلاق حسابداری"، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۳ (۲ و ۱)، ۷۵-۷۱.
- \* شیرخانی، بهروز ۱۳۹۰. "تأثیر گرایش های اخلاقی بر قضاوت حرفه یا حسابداران"، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
- \* فرقاندوست حقیقی، کامبیز؛ منصور زارع، مینو؛ (۱۳۸۶): "اصول اخلاقی به عنوان یکی از مفروضات بنیادی"، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۱۱، ۲۴-۱۸.
- \* Barber, B. & Odean, T. (2009). "Boys Will Be Boys: Gender, Overconfidence, and Common Stock



- \* Shafer, William E., Wang, Zhihong. (2011) "Effects of ethical context and Machiavellianism on attitudes toward earnings management in China", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 26 Iss: 5, pp.372 – 392
- \* Schipper, K. ( 1989). *Earning Management*, Accounting Horizons, Dec, 91-102.
- \* Schipper, K. (2009)." *Earnings Management*" Accounting Horizons, Vol. 3, no. 4: 91-102.
- \* Schrand, C., Zechman, S., (2012). "Executive Overconfidence and Slippery Slope to Financial Misreporting"; *Journal of Accounting and economics*, 53(1-2), 311-329.
- \* Siregar, S. V. & S. Utama. (2008)."Type of earning management and the effect of ownership structure, firm size, and corporate-governance practices: Evidence from Indonesia". *The International Journal of Accounting*. 43, 1-27.
- \* Stewart, A. E., Stewart, E. A., (2006). "The Preference to Excel and its Relationship to Selected Personality Variables". *Journal of Individual Psychology*, 62, 270-284.
- \* Stolowy, H. & Berton, G. (2004). "Accounts Manipulate: A Literature Review". Available at <http://ssrn.com/>
- \* Suresh, A., (2013). "Understanding Behavioral Finance Through Biases and Traits of Trader Vis-à-vis Investor". *Journal of Finance, Accounting and Management*, 4(2), 11-25.
- \* Verhofen, M., (2014). "Finance, University of St. Gallen-Swiss Institute of Banking and Finance", Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=2415741>.
- \* Wakefield, R. L., (2008). "Accounting and Machiavellianism", *Behavioral Research in Accounting*, Vol. 20, No. 1, PP: 115-129.
- \* Gerstner, E. and J.D. Hess, (1991), "A Theory of Channel Price Promotion", *American Economic Review* 81(4): 872-886.
- \* Greenfield, A., (2005). "Introduction: An Ethical Dimension into the Earnings Management Decisions", PhD Dissertations, Virginia Commonwealth University.
- \* Hargis, M. B., (2006). "A PxS Perspective on Perceptions of Corporate Transgressions: The Influence of Personality and Account Giving", PhD Dissertations, Wayne State University.
- \* Healy, P. M. and J. M. Wahlen (2009)." A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting" *Accounting Horizons*, Vol. 13, no. 4: 365-383.
- \* Healy, P. M. and Wahlen J. M. (1999). "A Review of the Earnings Management"
- \* Huang, J., Kisgen, D., (2013). "Gender and Corporate Finance: Are Male Executives Overconfident Relative to Female Executives?" *Journal of Financial Economics* 108(3), 822-839.
- \* Jiraporn P., G. A. Miller, S. S. Yoon & Y. S. Kim. (2008)."Is earnings management opportunistic or beneficial? An agency theory perspective". *International Review of Financial Analysis* 17:622-634.
- \* Jones, D., Paulhus, D., (2009). "Machiavellianism. In M.R. & R.H. Hoyle (Eds)", *Individual Differences in Social Behavior* (PP: 93-108), New York: Guilford.
- \* Langer, E. J.(1975)."The Illusion of Control", *Personality and Social Psychology* , No.32, Pp: 311-328.
- \* Lovallo, D., Kahneman, D. (2003). "Delusions of Success: How Optimism Undermines Executives, Decisions". *Harvard Business Review*, 81, 56-63.
- \* McDonald, K.S., (1997), "No Guts, No Glory", *Working Woman* 21(9), 24-27.
- \* Mittal, Manish. Vyas, R. K. (2008). "Personality Type and Investment Choice: An Empirical Study". The Icfai University Press.
- \* Murphy, P., (2012). "Attitude, Machiavellianism, and the Rationalization of Misreporting", *Accounting, Organizations, and Society*, 37 (4): 242-259.
- \* Nelson, M. W., J. A. Elliott, and R. L. Tarpley. (2002). "Evidence from auditors about managers' and auditors earnings management decisions". *The Accounting Review* (Supplement): 175-202.
- \* Ng, J., White, G. P., Lee, A., Monea, A., (2009). "Design and Validation of a Novel New Instrument for Measuring the Effect of Moral Intensity on Accountants Propensity to Manage Earnings", *Journal of Business Ethics*, Vol. 84, No. 3, PP: 367-387.
- \* Pathak, J., Karim, KH., Suh, S., Zhang, Z., 2014. "Do Audit Committee and Characteristics of Board of Directors Influence Earnings Management?" Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract=2406080>.
- \* Pompian, Michael. Longo, John. (2005). "Incorporating Behavioral Finance into Your Practice". *Journal of Financial Planning*: 58-63.

#### یادداشت‌ها

<sup>1</sup> - Economic decisions

<sup>2</sup> - Financial decisions

<sup>3</sup> - Irrational behavior

<sup>4</sup> - Overconfidence

<sup>5</sup> - Loss aversion bias

<sup>6</sup> Aljifri

<sup>7</sup> - Moral Hazard